



شهر بدون نفت

اقتصاد شهری هسته راهبردی اقتصاد مقاومتی



■ علی یعقوبی ■

برخی از مسئولان همچنان شهرها و شهرداری‌ها را وابسته به نفت می‌خواهند و می‌پسندند. این موضوع از خزیدن طرح‌هایی از گوشه و کنار برای انتصاب دولتی شهرداران پیداست. اما به این مسئولان باید گفت لطفاً در مدرسه «حکمرانی غیرنفتی» را تخته نکنید! واقعیت این است که شهرها به‌عنوان واحدهای کوچک حاکمیتی فرصتی خوب برای «یادگیری سازمان‌یافته» هستند. شهرها باید یاد بگیرند که چگونه روی پای خود بایستند و چگونه خود را از ورشکستگی و وابستگی به بودجه‌های نفتی که این روزها برعکس ظاهرشان برای شهرداری‌ها به منابعی کاملاً ناپایدار تبدیل شده است رهایی بخشند. خبر خوب این است که این فرصت، هر چند نصفه و نیمه برای مدیران شهری مهیا است. توفیق اجباری کوتاه شدن دست شهرداری‌ها از منابع دولتی، اتکای شهر به داشته‌های خودش یعنی درون‌زایی و بهره‌مندی از ارتباطات مولد یعنی برون‌گرایی را رقم خواهد زد و این تمرین خوبی برای حکمرانی بدون نفت و حرکت به‌سوی اقتصاد مقاومتی است.

اما خبر بهتر این است که لایحه مدیریت جامع شهری با همه اما و اگرها در صورت تصویب، با محقق کردن بخش‌هایی از رؤیای دیرینه مدیریت یکپارچه شهری و با تفکیک وظایف ملی و محلی از یکدیگر و خلق فرصت‌های جدید برای کسب منابع پایدار و نیز دادن اختیارات و قدرت بیشتر به مدیران شهری بخصوص کلان‌شهرها به تحقق این موضوع کمک بیشتری خواهد کرد.

اما خبر بد این است که در نبود منابع دولتی و فشار هزینه‌های شهری و یا همان توفیق اجباری، نوع دیگری از کسب درآمد در شهرها پدید آمده که خطر کمتری از وابستگی به منابع نفتی ندارد و دوباره اقتصاد شهری را از اقتصاد مقاومتی دور می‌کند و آن اتکا به کسب درآمد از «فروش تخلف ساخت‌وساز» بجای به رونق انداختن واقعی اقتصاد شهری است. این عادت غلط که از شهرداران سابق پایتخت به کلان‌شهرهای دیگر به ارث رسیده چنان در تار و پود نظامات مالی شهرداری‌ها گره خورده است که برکنندش حتی برای مدیران شهری منتقدان، مأموریتی دشوار خواهد بود. بدیهی است که ترک این عادت، زمان‌بر و نیازمند برنامه‌ریزی پلکانی و طراحی روش‌های جایگزین است.

■ ایجاد چراگاه به‌جای خلق گوسفند!

■ به قول گری هامل از علمای بنام مدیریت: «شاید ما نتوانیم یک گوسفند را خلق کنیم اما می‌توانیم با ایجاد یک چراگاه خوب به تکثیر گوسفندان کمک کنیم برای این کار فقط باید زمینه را آماده کرد و بقیه کار را به دست طبیعت سپرد». شهرداری‌ها با عبور از تلاش مذبحانه برای خلق آن گوسفند چاق و چله برای جایگزین کردنش با تراکم فروشی که سهم عمده بودجه نقدی شهرداری‌های کلانشهرها را تشکیل می‌دهد (۱)!

باید به فکر ایجاد آن مزرعه مستعد با باز کردن مسیرهایی برای ورود همه‌جانبه فناوری، کارآفرینی، گردشگری و خلق فرصت‌های جدید و البته بهره‌برداری فعالانه و عادلانه از فرصت‌های موجود باشند. این اتفاق نیازمند عبور مدیران شهری از تفکر در پارادایم تاریخ گذشته و اکشن‌گرا به‌سوی کنش‌گرایی است. این رویکرد نه تنها باعث خواهد

شد شهرداری‌ها از عهده هزینه‌های خود برآیند بلکه اقتصاد شهری الگو و موتور محرک خواهد شد برای به حرکت درآوردن اقتصاد ملی.

■ از اقتصاد شهرداری تا اقتصاد شهری به‌سوی اقتصاد ملی

■ بودجه سال ۹۴ تنها ۱۳ کلان‌شهر کشور که به تصویب شوراهای این شهرها رسیده است بیش از ۴۵ هزار میلیارد تومان برابر با یک چهارم بودجه عمومی کل کشور در این سال است. در مقایسه‌ای دیگر بودجه ۱۷ هزار میلیاردی شهرداری تهران بیش از ۲۸ برابر کل بودجه عمومی استان تهران و بودجه ۹/۳ هزار میلیاردی شهرداری مشهد ۱۴ برابر بودجه عمومی استان خراسان رضوی است. در شهری مانند کرمانشاه بودجه ۸۹۰ میلیاردی شهرداری بیش از ۲/۵ برابر بودجه عمومی استان و در شهری همچون رشت بالغ بر ۱/۵ برابر بودجه استان گیلان است.

این آمار و ارقام سهم شهرداری‌ها را که سکان اداره زندگی روزمره سه چهارم جمعیت کشور را در دست دارند از اقتصاد ملی به‌وضوح نشان می‌دهد.

اما در این میان نکته حائز اهمیت، رویکرد حداقلی به مأموریت شهرداری‌ها در حوزه اقتصادی است که بر پایه تأمین منابع برای هزینه‌های سرسام‌آور اداره شهرها شکل پیدا می‌کند. لبه بزان گیوتین هزینه‌ها که هر روز در حال زیاد شدن است شهرداران را وادار می‌کند که برای تأمین آن به هر طریقی خود را به آب و آتش بزنند. در حالی که رویکرد امروزین مدیریت شهری در دنیا حرکت از اقتصاد شهرداری به‌سوی اقتصاد شهری و فراتر از آن اقتصاد ملی و در گامی بالاتر اقتصاد جهانی است. و این ممکن نیست جز با استفاده خلاقانه از همه ظرفیت‌های شهر و شهرداری‌ها برای خلق ثروت. البته تحقق مدیریت یکپارچه شهری می‌تواند گشایش قابل توجهی در این امر ایجاد کند لکن نباید گذاشت که این موضوع بهانه‌ای برای توجیه و انفعال شود. واقعیت این است که اختیارات و امکانات فعلی شهرداری‌ها نیز به درستی و بطور کامل به خدمت گرفته نمی‌شود و هنوز فرصت‌های پنهان و آشکار فراوانی هست که مدیران شهری به سوی آنها نرفته‌اند.

■ شاگرد زرنگ

■ شاید گفته شود این‌ها حرف‌های زیبایی است که بر روی کاغذ خوش است. اما واقعیت این است که این حرف‌های زیبا در شهرهای مختلف دنیا - اگر نگوییم در اروپا و آمریکا، در کشورهای جنوب شرقی آسیا نیز - بارها تجربه شده است و باید از جایی در کشور ما نیز شروع شود و آنجا مطمئناً دیوانسالاری نیست. بی‌تردید اقتصاد شهری و شهرداری‌ها با استعدادترین و چالاک‌ترین شاگردان کلاس اقتصاد مقاومتی هستند که با اندوخته ثروت و مدل ساختاری خود بیشترین امتیازات لازم برای گام نهادن در این مارتن سخت را دارند. ماراتنی که شرکت‌کنندگان اجباری دیگرش دستگاه‌های گران بار و کم‌حرکی هستند که به‌سختی و لنگان خود را در میانه خطوط این رقابت محتوم می‌کشاند. ■

۱- خبرگزاری مهر - ۱۷ آذر ۱۳۹۲: رئیس سابق شورای شهر مشهد: ۹۰ درصد بودجه نقدی شهرداری در سال ۹۱ از محل تراکم فروشی تأمین شده است